

بندگی و برانندگی

بر جسته‌ترین ویژگی سیره نبوی ﷺ

محمد حسین صادق‌پور

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مجله مشکوة

اشاره

کرد، تا در دوراهی‌های زندگی و جاهایی که عقل کارساز نباشد و هنگامی که حق در لباس باطل و باطل در لباس حق جلوه می‌کند به مدد عقل آیند و کاروان بشری را به سرمنزل مقصود برسانند. دیگر بار از میان رسولان، مهتر رسولان را با قرآن برانگیخت که با سیره وی و امامان معصوم علیهم‌السلام احکام جاودانه اسلام و آیه **﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾** (بقره / ۲۵۶) تفسیر شد و ختم رسالت اعلام گردید.

بندگی وجه مشترک انبیاء

پیامبران الهی ویژگی‌های زیادی دارند،

۱- **﴿يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ﴾**

انشقاق / ۶.

انسان با توجه به فطرت خدایی و حقیقت‌جویی همراه با سایر کائنات و جهان تکوین به سوی پروردگارش - قرارگاه ابدی - در حرکت و شتاب است، و در نهایت به دیدارش خواهد رسید^۱. آرمیدن در قرب جوار حق و رسیدن به آرامش دائمی و رهیدن از کابوس نیستی همواره از آرزوهای بشر بوده است. از دیگر سو سنت الهی بر آن است تا انسان برای تجلی قابلیت‌هایش، با بال تفکر و پای اختیار از دل دشواری‌ها و سختی‌ها گذشته، مسیر تعالی را پله پله تا ملاقات خدا طی نماید. در این روند تکاملی، خدای مهربان برای اتمام حجت بر بندگان، علاوه بر نعمت عقل، پیامبرانی همراهشان

اما بدون تردید بارزترین و کارسازترین ویژگی، بندگی و سر در فرمان الهی داشتن آنان بوده است. «تنها خدا را پرستیدن و تنها از او کمک خواستن» وجه مشترک تمامی انبیاست که هم در بعد فردی، سبب آرامش، شادابی و تجدید قوای آنان می‌شده و هم در بعد اجتماعی، موجب تأسی مردم به آنان و پیشبرد دین خدا بوده است. عبادت خالصانه پروردگار در کل زندگی و سیره رفتاری انبیاء به‌ویژه خاتم پیامبران مشهود بوده، تا آن جا که در «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» صفت عبادت حتی بر رسالت پیشی گرفته است. در این مختصر با تأکید بر این ویژگی در سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به الگوسازی و تأسی به آن حضرت اشاره شده است.

بندگی راز سربلندی

بندگی و پرستش از نیازهای اساسی و آمیخته با سرشت انسان است، همچنین چه کسی را پرستیدن و چگونه پرستیدن در سرنوشت وی بسیار مؤثر است. از همین رو پروردگار مهربان نه تنها اجازه عبادتش را به فرزندان آدم داد، بلکه خود از آنان خواست تا تنها او را بخوانند و همو اجابتشان خواهد کرد^۱. او حتی چگونه پرستیدن را توسط سیره عملی انبیاء به‌ویژه خاتم رسولان به ما

تعلیم داد. پیامبر اعظم با آن عبادت عاشقانه و خالصانه به ما آموخت که آزادی، سربلندی و برازندگی انسان، تنها در بندگی خداست. او در پرتو بندگی‌اش و با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» بزرگ‌ترین تحول را در جهان به وجود آورد و آزادی تمامی بردگان عالم را از اسارت خدایان دروغین بشارت داد. خداوند با طرح سؤال ساده و بدیهی ﴿ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرَ اَمِ اللّٰهِ الْوٰحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (یوسف / ۳۹) از زبان پیامبرش، عقل و وجدان انسان را نهیب زد و بر این بدهاقت از او گواهی گرفت. او با برهان ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ اِلَّا اللّٰهُ لَفَسَدَتَا﴾ (انبیاء / ۲۲) اساس توهم چند خدایی را نابود ساخت. وی به ما فهماند که سرسپردگی به غیر خدای یگانه، حاصلی جز سرافکنندگی و خواری نخواهد داشت.

جایگاه عمل در بندگی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چهل سال پیش از آن که به مقام نبوت برسد و با زبان مردم را به دین بخواند، دورنمایی از اسلام را با بندگی و عملش غیر مستقیم به آنان تعلیم داده بود. او چهل سال قبل از آن که دعوتش را علنی کند و دین را برگوش خلق بخواند، با رفتار

۱- ﴿ادْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ غافر / ۶۰.

پسندیده و ارائه اسلام در وجودش، دل مردم را برده بود. پیامبر ﷺ چهل سال قبل از آن که نبوتش را آشکار کند در کار رسالت دست داشت. وی زمانی که ابوسفیان‌ها و ابوجهل‌ها در خواب غفلت بودند بدون آن که سر و صدایی ایجاد کند و حساسیتی برانگیزد در کوچه پس کوچه‌های مکه، با اخلاص و عمل صالح و بندگی خدا، پایه‌های حکومت و رسالتش را پی افکند. پس از گذشت چهل سال، آن‌گاه که دعوتش را علنی کرد، تازه معاندان دریافتند که بر آنان چه رفته است.

رسول خدا ﷺ هرگز چیزی نگفت که خود به آن عمل نکرده باشد. آیه ﴿لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ که کم و بیش در شأن همه ما نازل شده هرگز بر او صدق نکرد. سیره رفتاری پیامبر ﷺ، چه قبل و چه بعد از بعثت، اسلام مجسم بود. او نشان داد که دستورات مکتب اسلام یک سلسله قوانین خشک و بی‌روح نیست، بلکه پویا، زنده و در جامعه پیاده شدنی است؛ و این نکته ظرفیتی است که در پیشبرد دین و تبیین آن بسیار مؤثر است. چه بسا همین ویژگی منحصر به فرد رسول الله ﷺ و دیگر دستورات حیات‌بخش دین سبب شد تا مسلمانان صدر اسلام بیشتر اهل عمل باشند. آنان با جان و

دل این سنت تغییرناپذیر الهی را که ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ (رعد / ۱۱) نیوشیده بودند. آنان با مشاهده مستقیم رفتار پیامبرشان دریافته بودند که به عمل کار برآید، به سخن‌دانی نیست. از همین رو چنان تحول عظیمی در صدر اسلام به راه افتاد که دنیا‌نظیرش را ندیده است. در حال حاضر مسلمانان به خوبی دریافته‌اند که یکی از علل اساسی عقب‌افتادگی جهان اسلام متأسفانه عمل نکردن به تعالیم حیات‌بخش قرآن و عدم تأسی به سیره پیامبر ﷺ و در یک کلام بنده خدا نبودن است.

انسان به لحاظ روحی نیز به گونه‌ای است که در حال سلامت نفس، گفتار و کردارش یکدیگر را تأیید می‌کنند و این سبب آرامش وی و کل جامعه می‌شود. اگر زمانی فرهنگ «دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست» بین حکومت و مردم نهادینه شد و گفتار و کردار جامعه‌ای یکدیگر را نقض کردند، گذشته از ایستایی و فقر اقتصادی، آن جامعه به لحاظ اخلاقی - روانی نیز دچار مشکل شده است. دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و پیامدی جز ناامنی و اضطراب برای تک تک افراد و نیز کل شهروندان نخواهد داشت. از همین رو معلمان اخلاق، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حتی هنرمندان برای شادابی،

تعادل و نظم جامعه تدابیری اندیشیده‌اند. در مثل در بین هنرهای نمایشی، ساختار نمایش «پانتومیم» به گونه‌ای است که بینندگان را به عمل‌گرایی و فعالیت دعوت می‌کند. پرده که کنار می‌رود، بدون هیچ حرفی تماشاگر، میدان عمل را می‌بیند و بی‌اختیار هنرمندِ صحنه را همراهی می‌کند. پیامبران الهی قبل از همه، این بیماری مزمن و کهنه جامعه را شناخته بودند و چون طبیعی دوار به دور از هرگونه صحنه‌سازی، عاشقانه و خالصانه به گفتارشان جامه عمل پوشیدند و جامعه ایستا و منفعل زمان خود را به سوی پیشرفت، تعادل و آرامش رهنمون شدند.

گستره بندگی در سیره رسول خدا ﷺ

بدون تردید بندگی در سیره پیامبر ﷺ تنها نماز، دعا و نیایش‌های رازناک نیست، بلکه این جزئی از آن است نه تمام آن. مثل بندگی و دین‌داری در تاریخ همان مثل فیل در تاریکخانه است که هر کس به فراخورش قسمتی از آن را لمس و درک کرده و بر کل دین دست نیافته است. یک‌سونگری، کوتاه‌بینی، منافع شخصی و پیروی از سلیقه‌ها از جمله موانع شناخت است؛ به‌ویژه در مسئله مهمی مثل دین که باید تمام جوانب آن را در نظر گرفت. از

این‌رو گروهی پرشمار فقط به عبادات چسبیده و متأسفانه از ظاهر آن هم فراتر نرفته‌اند. پیشانی پینه بسته، تنها نشان و بهره‌ای است که از دین دارند. انجام یک‌سری اعمال، اذکار و حرکات مخصوص بر سبیل عادت - که نه به درد دنیا می‌خورد و نه آخرت - تنها تصور آنان از دین است. عده‌ای به سیاست و حکومت بیشتر بها داده و از این زاویه به دین نگریسته‌اند. شماری نیز به حوزه اقتصاد و معیشت چنگ انداخته و دیگر ابعاد دین را وا نهاده‌اند.

قرآن می‌گوید: ﴿أَفَسَوْمَتُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ﴾ (بقره / ۸۵).

صاحبان این گرایش‌ها و برداشت‌های ناقص از دین، نظر به جزم اندیشی و یک‌سونگری که دارند در عمل یا دچار افراط شده یا به دامن تفریط درغلطیده‌اند. نتیجه عمل آنان درگذشت ایام، جز بدنام کردن دین و ارائه تصویری ناقص الخلقه و ناموزن از آن نبوده است، در حالی که اگر با تفکر و دوراندیشی از بالا به دین، بندگی و دین‌داری نگاه می‌شد و اندکی در سیره رسول الله ﷺ تأمل می‌کردیم، بیشتر این اختلافات از میان برمی‌خاست. به گفته

مولوی:

در کف هر یک اگر شمعی بُدی

اختلاف از گفتشان بیرون شدی
دین مجموعه‌ای از تعالیم، اعتقادات و
دستورات الهی در حوزه‌های مختلف است
که به کل آن باید ایمان داشت و به همه آن‌ها
عمل کرد؛ چنان که در سیره گفتاری و رفتاری
پیامبر ﷺ آن را مشاهده می‌کنیم. بسیاری از
ما بندگی پیامبر ﷺ را تنها در حال دعا و
نیایش می‌دانیم، ولی او در همه حال چه بر
سجاده نیایش، چه در حال کار و کوشش و
چه در حال جنگ یا صلح و سازش، در واقع
بندگی و عبادت خدا را می‌کرد.

بندگی و سرزندگی

امام علی علیه السلام بندگی مردم را به سه دسته
تقسیم می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ قَوْماً
عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَ إِنَّ قَوْماً
عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ إِنَّ قَوْماً
عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»^۱ کسانی
که به طمع بهشت و ترس از دوزخ بندگی و
عبادت خدا را می‌کنند، برداشت درستی از
خدا، دین، جهان هستی و فلسفه آفرینش
ندارند. ترس یا طمع، محرک اصلی اعمال و
رفتار آنان در حوزه‌های گوناگون زندگی
به‌ویژه عبادت است. آنان معامله‌گرانی

سودجو یا بردگانی ترسو هستند که حق
عبادت خدا را به‌جا نیاورده‌اند. حیات آنان
آن شادابی و نشاط و سرزندگی را ندارد.

اما گروهی اندک، رها شده از شائبه ترس
و طمع چون خدا را شایسته عبادت
می‌دانند، آزادانه و عاشقانه سر به آستان
معبود می‌سایند و بر این بندگی افتخار
می‌کنند. در نظر آنان ساحت بندگی از بردگی
و پیشه‌وری مبراست و هرگز با هم جمع
نمی‌شوند. خواجه کائنات و مهتر رسولان در
رأس همه این آزادگان و قافله سالار کاروان
بشر به سوی بندگی خداست. او با بندگی‌اش
درس آزادگی و سروری به ما آموخت، او به
ما فهماند که شادابی و سرزندگی تنها در
بندگی است و بندگی تمامی معنای زندگی
است.

۱- صبحی صالح، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت،
۱۳۹۵، حکمت، ص ۲۳۷.